

اهداف قوه قضائیه از تهیه لایحه حمایت خانواده و مقایسه آن  
با لایحه ارسالی دولت به مجلس

The Purposes of the Judiciary in Codifying the Family  
Protection Draft Bill: Comparison with the Bill  
Drafted by the Executive

M. A. Shaheydari Pour, M.A. ✉

محمدعلی شاه‌حیدری پور ✉\*

دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

The purposes of the bill of supporting of family that have been sent to the government are to cure ambiguity, conflict and gap in the family procedural laws, facilitating the proceedings specially for ladies and infants, strengthening the court dealing with family's disputes and reducing courts' tasks. These purposes have been followed by its articles.

Crucial changes like nullifying the necessity of attendance of ladies judges at the family court, changing the

چکیده:

لایحه حمایت خانواده با هدف رفع ابهام، تعارض و خلأ از قوانین شکلی خانواده، ایجاد تسهیل در رسیدگی‌ها به‌ویژه برای بانوان و کودکان، تقویت دادگاه رسیدگی‌کننده به اختلافات خانوادگی و قضاوت‌دائی تهیه و به دولت ارسال شده است. این اهداف در مواد مختلف لایحه نمود پیدا کرده است. در دولت، تغییرات مهمی مانند لغو الزامی بودن حضور بانوان دارنده پایه قضائی در دادگاه خانواده، تغییر نحوه طرح اختلافات خانوادگی در مراکز مشاوره، واگذاری دعاوی خانوادگی به شوراهای حل

✉ Corresponding author: Faculty of Law, Shahid Beheshti University (G.C.)  
Tel: +9821-29902364  
Fax: +9821-29902368  
Email: hoghooghim@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده  
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۴ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸  
پست الکترونیک: email: hoghooghim@gmail.com  
\* معاون اداره کل تدوین لوایح و برنامه‌های قوه قضائیه

manner of referencing to onsultation Centers, assigning the families disputes to Counsels for Resolving Disputes, assigning the registering of temporary marriage into the regulation, adding an article about polygamy, providing tax for unreasonable and illogical marriage portions and eliminating the article about fair remuneration and Nehleh, have been made by the government into the bill.

These wide and deep changes, not only aren't in the way to reaching to those four purposes, but also in some cases are in the opposite spot of them so that can be said these changes have prevented the bill from reaching to its purposes.

**Keywords:** Supporting of family, Family court, Consultation centers, Registering of temporary marriage, Taxing from marriage portions, Fair remuneration and Nehleh

اختلاف، واگذار کردن ثبت ازدواج‌های موقت به آئین‌نامه، اضافه کردن ماده‌ای در مورد ازدواج مجدد، پیش‌بینی اخذ مالیات از مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی و حذف ماده مربوط به اجرت‌المثل و نحلّه در لایحه ارسالی قوه قضائیه ایجاد شده است.

این تغییرات وسیع و عمیق، نه تنها در راستای تأمین اهداف چهارگانه مورد نظر نیست، بلکه در برخی موارد درست در نقطه مقابل آن می‌باشد و به همین علت می‌توان گفت لایحه را از دستیابی به اهداف موردنظر باز داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** حمایت خانواده، دادگاه خانواده، مراکز مشاوره خانواده، ثبت ازدواج موقت، اخذ مالیات از مهریه، اجرت‌المثل و نحلّه

## مقدمه

خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد جامعه، بزرگترین نقش را در ایجاد و بقاء سایر ارکان آن برعهده دارد و به همین علت این نهاد از جهات مختلف مورد توجه دانشمندان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و حقوق بوده است. در فقه اسلامی اهمیت ویژه‌ای به این نهاد داده شده است به طوری که به‌رغم مفصل بودن احکام بیع و معاملات در کتب فقهی، مطول‌ترین مباحث و قسمت‌ها، مربوط به کتاب‌های نکاح و طلاق است. در قانون مدنی ما نیز حدود ۴۰۰ ماده به‌طور مستقیم مربوط به حقوق خانواده است. قوانین پراکنده دیگری نیز درباره خانواده وجود دارد که قدمت برخی از آن‌ها به سال ۱۳۱۰ یعنی پیش از تصویب جلد دوم قانون مدنی برمی‌گردد. با این حال، اولین قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۴۶ تصویب شد و دیری نپایید که جای خود را به قانون دیگری با همین نام در سال ۱۳۵۳ داد. قانون سال ۱۳۵۳ از یک‌سو همواره با انتقاداتی روبه‌رو بوده است به طوری که برخی آن را قانون حامی زن و اطفال ناشی از نکاح و نه خانواده دانسته و حتی

سست‌کننده مبانی خانواده و تسهیل‌کننده از هم گسیختگی آن خوانده‌اند (صفائی و امامی، ۱۳۷۰؛ ص ۱۱) و از سوی دیگر پس از انقلاب اسلامی تاکنون بسیاری از مواد آن به‌طور صریح یا ضمنی نسخ گردیده و یا از سوی شورای نگهبان خلاف شرع اعلام شده است. با این حال، مواد باقی‌مانده این قانون هنوز هم در رتق و فتق امور حقوقی خانواده یار و مددکار حقوق دانان و قضات به‌شمار می‌رود. لایحه حمایت خانواده که در قوه قضائیه تهیه و جهت تقدیم نمودن به مجلس، در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ به دولت ارسال و در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۲ به مجلس واصل شده است، در صورت تصویب نهایی، اولین قانون حمایت خانواده پس از برقراری نظام جمهوری اسلامی در ایران خواهد بود. تدوین‌کنندگان این لایحه در قوه قضائیه، با تهیه و ارائه این لایحه، به مانند هر لایحه دیگری، به دنبال تحقق اهدافی بوده‌اند. ولی هنگام بررسی آن در دولت تغییرات چشمگیری در این لایحه صورت گرفته است که خواه‌ناخواه این پرسش به وجود می‌آید، آیا این تغییرات در راستای اهداف مورد نظر بوده یا این که در تعارض و تضاد با آن‌ها می‌باشد؟ در این مختصر، ضمن بررسی اهداف مورد نظر قوه قضائیه و جلوه‌های این اهداف در لایحه، عمده‌ترین تغییرات ایجاد شده در دولت نیز بررسی می‌شود. بررسی این تغییرات به‌ویژه از این جهت حائز اهمیت است که آیا این تغییرات لطمه‌ای به اهداف مزبور وارد کرده است یا خیر؟

### اهداف تدوین لایحه در قوه قضائیه و جلوه‌های این اهداف در لایحه

در مقدمه لایحه ارسالی قوه قضائیه به دولت چهار هدف به عنوان اهداف مهم تدوین لایحه ذکر شده‌اند:

**رفع ابهام، تعارض و خلأ از قوانین و مقررات شکلی خانواده:** در این بند تأکید بر قوانین شکلی است. این قوانین شامل قواعدی است «که ناظر به صورت خارجی اعمال حقوقی و تشریفات اسناد و دادرسی و اثبات دعوی است» (کاتوزیان، ۱۳۸۱؛ ص ۱۵۶). لذا در لایحه تنظیمی در قوه قضائیه، ورود به قوانین ماهوی خانواده که «شرایط ایجاد و زوال و انتقال حق فردی را معین می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۱؛ ص ۱۵۵)، مدنظر نبوده است. در مقدمه لایحه ارسالی به دولت نیز ذکر شده است که این‌گونه مقررات ماهوی در قانون مدنی لازم‌الاجرست که در همان جا نیز باید مورد بازنگری قرار گیرد و اصلاح قانون مدنی بعدها طی لایحه جامعی صورت خواهد گرفت.

قوانین کنونی مربوط به قواعد شکلی حقوق خانواده، متعدد و پراکنده‌اند. این وضعیت باعث شده است که در مورد قوانین ناسخ و منسوخ، بین قضات اختلاف نظر و رویه وجود داشته باشد. مهم‌ترین این قوانین، قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ می‌باشد که اکنون تنها به تعداد معدودی از مواد بیست و هشتگانه آن عمل می‌شود. این امر در دو مجموعه قانونی که توسط دو نهاد معتبر از دو قوه قضائیه و مجریه تهیه و منتشر شده، به خوبی آشکار است. در مجموعه قوانین و مقررات خانواده

که توسط معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری در پاییز سال ۱۳۸۴ منتشر شده، تنها هفت ماده و سه تبصره (مواد ۷ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۷ - ۱۸ - ۲۰ - ۲۴ و تبصره مواد ۱۹، ۲۳ و ۲۵) و در مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی که توسط معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه در زمستان همان سال تهیه و منتشر گردیده، تنها پنج ماده و سه تبصره (مواد ۱۳ - ۱۴ - ۱۸ - ۲۰ - ۲۴ و تبصره مواد ۱۹، ۲۳ و ۲۵) به عنوان مواد باقی‌مانده و قابل اعمال قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ ذکر شده است، این امر نشان می‌دهد که تهیه‌کنندگان این دو مجموعه، ضمن آن که بر منسوخ و غیرقابل اجرا بودن ۲۱ ماده اتفاق نظر دارند، در مورد دو ماده (مواد ۷ و ۱۷) اختلاف نظر دارند.

### کاهش مشکلات موجود در قواعد شکلی حقوق خانواده به ویژه برای زنان و کودکان:

موارد زیر را می‌توان از جمله مواردی ذکر کرد که برای کاهش مشکلات موجود در قواعد شکلی حقوق خانواده یا تسهیل رسیدگی به ویژه برای زنان و کودکان تنظیم شده است:

- امکان طرح دعوی نفقه از سوی مادر یا کسی که حضانت محجور بر عهده اوست (ماده ۷ لایحه).

- تسهیل در اتخاذ تصمیم فوری دادگاه راجع به اموری از قبیل حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه (ماده ۸ لایحه).

- پیش‌بینی امکان ابلاغ در دادگاه خانواده از طرق سریع مانند نماز، پیام تلفنی و پست الکترونیک (ماده ۱۰ لایحه قوه قضائیه).

- امکان طرح دعوا از سوی زوجه در محل سکونت خود برای مطالبه نفقه و مهریه منقول (ماده ۱۳ لایحه قوه قضائیه).

- امکان ارجاع امر داوری به اعضای واجد شرایط مراکز مشاوره خانواده (ماده ۲۹ لایحه قوه قضائیه و ۳۱ دولت).

- در اختیار گذاردن اموال صغار و سایر محجوران در حد هزینه‌های متعارف زندگی از سوی شرکت‌ها و مؤسسات و نهادهای عمومی به کسی که عهده‌دار حضانت و نگهداری است (ماده ۳۹ لایحه قوه قضائیه و ۴۱ دولت).

### تخصصی نمودن رسیدگی به دعاوی خانواده و افزایش استحکام آرای دادگاه خانواده:

تأسیس دادگاه خانواده در این لایحه مدنظر قرار گرفته است. با توجه به این که اکنون نیز دادگاه‌های خانواده فعال می‌باشند، شاید هدف قرار دادن تأسیس این دادگاه‌ها به موجب لایحه مورد بحث، عجیب باشد. ولی همان‌طور که می‌دانیم دادگاه‌های فعلی موسوم به خانواده که بر اساس قانون اختصاص تعدادی از شعب دادگاه‌های عمومی به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی مصوب ۱۳۷۶/۵/۸ به وجود آمده‌اند، شعبی از دادگاه‌های عمومی هستند که برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی اختصاص یافته‌اند. بنابراین، برخلاف نامی که این دادگاه‌ها بدان شهرت دارند، دادگاه

مستقل و جدای از دادگاه‌های عمومی نیستند. به همین علت، اگر موضوعی که در صلاحیت دادگاه‌های کنونی موسوم به خانواده است، در سایر شعب دادگاه‌های عمومی مطرح شود ایشان نمی‌توانند «قرار عدم صلاحیت» صادر کنند بلکه باید «قرار امتناع از رسیدگی صادر نموده و پرونده از طریق رئیس حوزه قضائی، به شعبه اختصاص یافته به دعاوی خانواده ارجاع شود. در حقیقت، صدور قرار عدم صلاحیت شعبه دادگاهی نسبت به شعبه دیگر همان دادگاه، در حوزه قضائی واحد، منتفی است» (شمس، ۱۳۸۲؛ ص ۴۱۳).

با این حال، به موجب ماده ۲ این لایحه، حداقل دو تحول قابل توجه دیگر در مورد دادگاه خانواده صورت گرفته است:

- استفاده از تعدد قاضی در دادگاه خانواده.

- الزامی نمودن حضور بانوان دارنده پایه قضائی در دادگاه خانواده و مداخله آنان در فرآیند رسیدگی و صدور رأی (البته در این باره دولت تغییری در لایحه قوه قضائیه داده است که در جای خود بدان پرداخته خواهد شد).

در وضعیت کنونی، بر اساس تبصره ۳ قانون اختصاص تعدادی از شعب دادگاه‌های عمومی به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (مصوب ۱۳۷۶/۵/۸)، دادگاه خانواده «حتی‌المقدور» با حضور مشاور قضائی زن شروع به رسیدگی می‌کند و احکام پس از مشاوره با مشاوران قضائی زن صادر می‌شود. بنابراین، اولاً حضور بانوان دارنده پایه قضائی الزامی نیست و ثانیاً نقش آنان صرفاً مشورتی است و در صدور رأی نقشی نخواهند داشت. در حالی که بر اساس لایحه ارسالی قوه قضائیه، بانوان حتماً باید در دادگاه خانواده به عنوان قاضی حضور داشته باشند و با اعطای اختیار مداخله در صدور رأی، این حضور، حضوری تأثیرگذار خواهد بود.

**قضازدایی:** سیاست قضازدایی از سیاست‌های مدیریت کنونی دستگاه قضایی است که در این لایحه هم به‌طور فرعی، مورد نظر بوده است. تنها نمود این هدف در لایحه، ایجاد «مراکز مشاوره خانواده» است. مقصود از قضازدایی محول کردن وظایف قوه قضائیه و دادگاه به دیگران نیست، بلکه منظور این است که اموری که دارای ماهیت قضائی نیستند به مراجعی غیر از دادگاه‌ها محول گردد تا دادگاه‌ها بتوانند با فراغ بال به وظایف ذاتی خود بپردازند.

دادن مشاوره حقوقی نه تنها جزء وظایف ذاتی قاضی و دادگاه نیست بلکه قاضی از دادن مشاوره حقوقی و قضائی ممنوع است. زیرا این امر ممکن است باعث خروج وی از بی‌طرفی شود. از سوی دیگر، دادن مشاوره روان‌شناسی و تربیتی، اصولاً از صلاحیت‌های قاضی خارج است. گرچه بسیاری از قضات در جریان کار قضائی و طی برخورد با پرونده‌های مختلف در این زمینه صاحب تجربه مناسبی می‌شوند ولی فرض بر این است که قاضی، متخصص امر قضاست. وانگهی، کثرت کار و تراکم امور نزد

قضات عملاً باعث می‌شود که ایشان فرصت و مجال کافی برای واکاوی مشکلات زیربنائی و پنهان خانوادگی و ریشه‌یابی آن‌ها را نداشته باشند. بنابراین، امر مشاوره امری تخصصی، فنی و علمی است که مشاوران واجد صلاحیت و شرایط مربوط باید عهده‌دار آن شوند. در واقع، مسائل و مشکلات خانوادگی صرفاً مسائل حقوقی نمی‌باشند، بلکه مسائل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی هستند و به همین علت نقش متخصصان مربوط در حل مشکلات خانوادگی، به دلیل ماهیت این نوع مشکلات اگر بیشتر از متخصصان حقوقی و قضائی نباشد، کمتر نیست. این امر اقتضای آن را دارد که به محض بروز مشکل و اختلاف خانوادگی، ابتدا متخصصان مربوط وارد عمل شوند و اگر موفق به حل مشکل نشوند، آن‌گاه دادگاه راهکار قضائی را به عنوان آخرین راه حل به اجرا در آورد.

### مقایسه لایحه قوه قضائیه با لایحه دولت

نظریه تفسیری مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای محترم نگهبان راجع به بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی حکایت از آن دارد که اصولاً دولت نمی‌تواند لوایح قضائی را بدون موافقت رئیس قوه قضائیه تغییر دهد. با این حال، در لایحه تنظیمی قوه قضائیه تغییرات قابل توجهی از حیث کمیت و کیفیت، به وسیله دولت ایجاد شده است. تنها یکی دو مورد از این تغییرات، به دلیل در برداشتن حساسیت در جامعه مطرح شده است و تغییرات دیگر، به رغم اهمیتی که دارند، نادیده باقی مانده است که در این جا تعدادی از این تغییرات که دارای اهمیت بیشتری هستند ذکر می‌شوند: لغو الزامی بودن حضور بانوان دارنده پایه قضائی در دادگاه خانواده و منحصر ساختن سمت ایشان به مستشار دادگاه؛ ماده ۲ لایحه ارسالی قوه قضائیه از این قرار است: «دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و دو مستشار تشکیل می‌شود که یکی از اعضای دادگاه باید از بانوان دارنده پایه قضائی باشد. رسمیت جلسه و صدور رأی با اکثریت امکان‌پذیر است». ولی این ماده در دولت بدین نحو تغییر یافته است: «دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و دو مستشار تشکیل می‌شود که حتی‌المقدور یکی از مستشاران دادگاه باید از بانوان دارنده پایه قضائی باشد. رسمیت جلسه و صدور رأی با اکثریت امکان‌پذیر است». بنابراین، با تغییر دو کلمه، دو تغییر اساسی صورت گرفته است:

- با تغییر کلمه «باید» به «حتی‌المقدور»، حضور بانوان دارنده پایه قضائی در دادگاه خانواده، از امری «لازم» به امری «ممکن» تبدیل شده است.

- با تغییر کلمه «اعضای» دادگاه به «مستشاران» دادگاه، بانوان نمی‌توانند سمت‌های ریاست و دادرسی دادگاه خانواده را احراز نمایند.

در واقع، لایحه قوه قضائیه بر این دیدگاه استوار بوده است که اولاً نظر به این که دعاوی خانوادگی بین دو جنس مخالف در جریانند، لازم است ترکیب دادگاه رسیدگی‌کننده نیز برخوردار از تنوع

جنسیتی باشد و ثانیاً در این ترکیب تفاوتی میان زنان و مردان از جهت احراز سمت‌های مربوط نباشد. ولی تغییرات ایجاد شده در دولت بر خلاف این هر دو دیدگاه است.

### **تغییر نحوه طرح اختلافات خانوادگی در مراکز مشاوره: براساس ماده ۱۸ لایحه قوه قضائیه**

تمامی اختلافات خانوادگی پیش از طرح در دادگاه، در مراکز مشاوره، مطرح می‌شوند ولی بر اساس لایحه دولت تمامی اختلافات خانوادگی باید ابتدا در دادگاه مطرح شده و اگر دادگاه تشخیص داد به این مراکز ارجاع شوند.

در واقع، همان‌طور که پیش از این اشاره شد، لایحه ارسالی قوه قضائیه بر این دیدگاه استوار بوده است که مسائل و مشکلات خانوادگی صرفاً مسائلی حقوقی نمی‌باشند، بلکه مسائلی تربیتی - روانی و اجتماعی هستند. این امر اقتضای آن را دارد که به محض بروز مشکل و اختلاف خانوادگی، ابتدا متخصصان مربوط وارد عمل شوند و اگر موفق به حل مشکل نشوند، آن‌گاه و در صورت لزوم دادگاه راهکار قضائی را به عنوان آخرین چاره به اجرا درآورد. این رویکرد در لایحه ارسالی دولت برعکس شده است. یعنی اصل بر این قرار داده شده است که ابتدا باید سراغ راهکار قضائی رفت و سپس سراغ راهکارهای دیگر!

### **واگذاری دعاوی خانواده به شوراهای حل اختلاف: در مورد واگذاری امور خانواده به**

شوراهای حل اختلاف مقررهای در لایحه قوه قضائیه نبوده است. در واقع، بر اساس لایحه قوه قضائیه با توجه به تخصصی بودن امر مشاوره خانواده و تأسیس مراکز مشاوره در کنار دادگاه‌های خانواده اصولاً نیازی به دخالت شوراهای حل اختلاف در امور خانواده نیست.

تبصره ۲ که در دولت به ماده ۲۱ لایحه افزوده شده است، مقرر می‌دارد: «کلیه اختلافات و منازعات خانوادگی قابل طرح در شوراهای حل اختلاف می‌باشند. در صورت مراجعه طرفین، شوراهای یادشده با حضور کارشناس مربوط تشکیل و احکام صادره به استثناء حکم طلاق، لازم‌الاجرا است. در صورتی که نظر بر اجرای حکم طلاق باشد پرونده به دادگاه ارجاع می‌شود». نحوه دخالت و حیطه اختیارات شوراهای حل اختلاف در امور خانواده در لایحه دولت روشن نیست و این امر می‌تواند باعث بروز مشکلاتی شود. زیرا از مفاد کلی و مجمل این تبصره این‌گونه برداشت می‌شود که اختیارات شوراهای حل اختلاف آن‌قدر گسترده است که صدور حکم طلاق را نیز در برگیرد! و بالاخره نسبت بین اختیارات شورای حل اختلاف از یک‌سو و مراکز مشاوره و دادگاه خانواده از سوی دیگر مشخص نشده است.

**واگذار نمودن ثبت ازدواج‌های موقت به آیین‌نامه:** به موجب تبصره ماده ۲۲ لایحه قوه قضائیه نکاح موقتی که منتهی به بارداری زن شود باید ثبت گردد. این امر در جهت حمایت از حقوق جنین فعلی و طفلی است که در آینده متولد می‌شود ولی در لایحه دولت این تبصره بدین نحو تغییر یافته است: «ثبت نکاح موقت تابع آیین‌نامه‌ای است که به تصویب وزیر دادگستری می‌رسد». فایده این تبصره که فاقد هرگونه حکم خاص راجع به ثبت ازدواج موقت است، معلوم نیست. مگر می‌شود قانون راجع به اصل موضوع اظهارنظری نکند و آن را به آیین‌نامه احاله نماید؟! آن هم آیین‌نامه‌ای با تصویب وزیر دادگستری و نه رئیس قوه قضائیه یا هیأت دولت!

به علاوه، در ماده ۴۲ لایحه ارسالی قوه قضائیه تبصره‌ای برای پیش‌بینی ضمانت اجرائی تبصره ماده ۲۲ گنجانیده شده بود که در لایحه دولت این تبصره از ماده مزبور که شماره‌اش به ۴۴ تغییر کرده، نیز حذف شده است. تبصره محذوف از این قرار است: «هرگاه نکاح موقت صورت گیرد و زن باردار شود و مرد بلافاصله جهت ثبت این نکاح اقدام ننماید، به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود».

**افزودن ماده مربوط به ازدواج مجدد:** ماده ۲۳ لایحه دولت راجع به ازدواج مجدد است که در لایحه قوه قضائیه نبوده و در دولت اضافه شده است. در لایحه قوه قضائیه، ماده ۴۵ (۴۷ لایحه دولت) برای سردفتری که بدون اجازه دادگاه اقدام به ثبت ازدواج مجدد نماید، ضمانت اجرای کیفری مقرر کرده است. راجع به ماده ۲۳ و عوارض منفی آن برای خانواده‌ها، سخن‌های بسیاری گفته شده است که نیاز به تکرار آن در این مختصر نمی‌باشد. مهم‌ترین ایراد این ماده در مقایسه با ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ حذف رضایت همسر اول است.

**اخذ مالیات از مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی:** ماده ۲۵ لایحه دولت نیز ماده‌ایست که در لایحه قوه قضائیه نبوده است. براساس این ماده «وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است از مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی با توجه به وضعیت زوجین و مسائل اقتصادی کشور متناسب با افزایش میزان مهریه به صورت تصاعدی در هنگام ثبت ازدواج مالیات وصول نماید».

میزان مهریه متعارف و میزان مالیات با توجه به وضعیت عمومی اقتصادی کشور به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد».

این ماده دارای اشکالات شکلی و ماهوی و نیز ابهامات فراوانی است. از جمله:



- گرچه تعیین میزان مهریه با ارقام نجومی، امری ناپسند است، ولی مهریه واقعی است در کنار سایر واقعیت‌های موجود در سامانه حقوق خانواده‌ها که این واقعیت‌ها باید به‌طور هم‌زمان و یک‌جا مدنظر قرار گیرند. پرداختن به یکی و غفلت از دیگری می‌تواند باعث ایجاد ناهمگونی و بی‌عدالتی در کل این مجموعه حقوقی شود.
- تعیین مهریه یک امر خصوصی و مبتنی بر توافق طرفین است و اصولاً دخالت بیش از حد دولت در حیطه اختیارات خصوصی افراد مجاز نمی‌باشد. در این عرصه‌ها کار اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی اثربخش‌تر است.
- اگر مشکل اصلی مهریه‌های سنگین، به زندان افتادن مردان عاجز از پرداخت است، باید چاره کار را در تجدیدنظر در مقررات مربوط به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی یافت.
- اخذ مالیات از مهریه هنگام ثبت نکاح فاقد هرگونه توجیه منطقی است و با ایرادات فقهی - حقوقی فراوانی روبه‌روست. زیرا مهریه اگر کلی باشد، دینی است عندالمطالبه و حداقل نصف مهریه تا زمان عروسی مستقر نیست. حال چگونه می‌توان از دینی این‌چنین که در عرف بانوان نجیب ایرانی به ندرت هم مطالبه می‌شود پیشاپیش مالیات اخذ کرد؟
- چه کسی قرار است این مالیات را پرداخت کند؟ مرد، زن یا هر دو؟ در لایحه پرداخت‌کننده مالیات مشخص نشده است.
- با توجه به این که زمان دریافت مالیات «هنگام ثبت ازدواج» تعیین شده است، ضمانت اجرائی عدم پرداخت معلوم نیست. آیا اگر حاضر به پرداخت نباشند یا وجهی نداشته باشند که بپردازند، ازدواج ثبت نمی‌شود؟! در این صورت، نتیجه جز افزایش ازدواج‌های بدون ثبت و یا تعیین مهریه‌های صوری ثبت شده و مهریه‌های واقعی ثبت نشده نخواهد بود که همگی به ضرر بانوان جامعه و نوعی بازگشت به گذشته‌های دور است. از سوی دیگر، ایجاد مانع برای ثبت ازدواج، مخالف سیاست‌های نظام اسلامی و دولت محترم برای تشویق به ازدواج جوانان نیز می‌باشد.
- تعیین «مهریه متعارف» به وسیله وزارت اقتصاد برای تمام کشور و تمام اقشار با نرخ واحد امری نامعقول است. از سوی دیگر چگونه «مهریه متعارف» را یک نهاد دولتی تعیین می‌کند؟! آن چه را که این ارگان تعیین می‌کند دیگر «متعارف» نیست بلکه یک «نرخ» دولتی است.
- در صدر ماده برای اخذ مالیات «وضعیت زوجین و مسائل اقتصادی کشور» به‌عنوان ملاک آورده شده است ولی در ذیل آن تنها «وضعیت عمومی اقتصاد کشور» ملاک دانسته شده است.
- جای ماده مربوط به اخذ مالیات در لایحه حمایت از خانواده نیست.

**حذف اجرت‌المثل و نحله:** ماده ۳۱ لایحه قوه قضائیه که راجع به اجرت‌المثل و نحله است در لایحه دولت حذف شده است. ماده مزبور از این قرار است: «هرگاه زن پس از طلاق حق‌الزحمه کارهایی را که شرعاً برعهده وی نبوده است، مطالبه نماید، دادگاه سعی در تأمین خواسته وی از طریق تصالح می‌نماید. در صورت عدم تصالح، چنان‌چه در این خصوص ضمن عقد یا عقد خارج لازم، شرطی شده باشد مطابق آن عمل می‌شود وگرنه در صورتی که زن کارهایی را که شرعاً برعهده وی نبوده است، به دستور شوهر و بدون قصد تبرع انجام داده و عرفاً برای آن اجرت‌المثل باشد، دادگاه اجرت‌المثل کارهای مذکور را با جلب‌نظر کارشناس، محاسبه و حکم به پرداخت آن می‌نماید. در غیر مورد مذکور، با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهای انجام شده و توانایی مالی شوهر، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زن تعیین می‌نماید».

با توجه به این‌که مشابه این ماده هم اکنون در تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق آمده است و قانون مزبور از جمله قوانینی است که به موجب همین لایحه نسخ می‌شود، بنابراین، حذف ماده ۳۱ لایحه ارسالی قوه قضائیه باعث به وجود آمدن خلأ و از دست رفتن یکی دیگر از حقوق بانوان خواهد شد.

ممکن است ادعا شود علت حذف ماده ۳۱، تصویب تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی است، ولی باید توجه داشت که تبصره مزبور و ماده محذوف، حداقل دو تفاوت عمده دارند:

- ماده ۳۱ علاوه بر اجرت‌المثل، شامل «نحله» نیز می‌باشد ولی تبصره مزبور صرفاً اجرت‌المثل را دربرمی‌گیرد.

- وجود ماده ۳۱، دادگاه را مکلف می‌سازد که ضمن رأی مربوط به طلاق راجع به اجرت‌المثل و نحله نیز تصمیم بگیرد ولی تبصره مزبور قاعده‌ای عام است که مطالبه‌ای که بر اساس آن صورت می‌گیرد، به‌عنوان دعوایی مستقل قابل رسیدگی است (راجع به تفسیر عبارت «پس از طلاق» در تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق که ماده ۳۱ نیز جایگزین آن است می‌توان به نظریه تفسیری مورخ ۱۳۷۳/۶/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی مراجعه کرد).

### نتیجه

لایحه حمایت خانواده به منظور تأمین اهداف چهارگانه موردنظر در قوه قضائیه تهیه شده است. با بررسی‌ای که انجام شد می‌توان نتیجه گرفت: تغییراتی که در دولت به وجود آمده است، چنان عمیق و گسترده می‌باشد که در صورت عدم بازگشت مجلس به لایحه قوه قضائیه، جملگی این اهداف عقیم خواهند ماند و در نتیجه فلسفه وجودی لایحه به شدت زیر سؤال خواهد رفت. تأثیر این تغییرات در هر یک از اهداف مذبور به شرح زیر قابل ذکر است:

- ۱- تغییر در ماده ۲ لایحه و لغو الزامی بودن حضور بانوان دارنده پایه قضائی در دادگاه خانواده و منحصر ساختن سمت ایشان به مستشار دادگاه، بر خلاف هدف افزایش استحکام آراء دادگاه خانواده (هدف سوم) است.
- ۲- تغییر نحوه طرح اختلافات خانوادگی در مراکز مشاوره در ماده ۱۸ لایحه، مهم‌ترین نماد قضازدایی (هدف چهارم) در لایحه را مخدوش ساخته است.
- ۳- افزودن تبصره ۲ ماده ۲۱ و واگذاری دعاوی خانواده به شوراهای حل اختلاف ضمن آن که خود دارای ابهام است و با مواد دیگر در تعارض و از این جهت برخلاف هدف نخست و با لزوم تخصصی کردن رسیدگی‌ها (هدف سوم) نیز در تضاد است.
- ۴- حذف تبصره‌های مواد ۲۲ و ۴۲ راجع به ثبت ازدواج موقت و واگذار کردن امر به آئین‌نامه برخلاف اهداف مربوط به پر نمودن خلأهای قانونی موجود (هدف نخست) و کاهش مشکلات شکلی حقوق خانواده (هدف دوم) است.
- ۵- افزودن ماده ۲۳ مربوط به ازدواج مجدد، با توجه به مفاد این ماده، به ویژه عدم ذکر رضایت همسر اول، درست در نقطه مقابل هدف کاهش مشکلات موجود (هدف دوم) است.
- ۶- پیش‌بینی اخذ مالیات از مهریه‌های بالاتر از خدمت‌عارف و غیرمنطقی در ماده ۲۵ به دلیل مشکلاتی که به بار می‌آورد، بر خلاف هدف دوم و به دلیل ابهام‌هایی که دارد برخلاف هدف نخست است.
- ۷- حذف ماده ۳۱ مربوط به اجرت‌المثل و نحله، چون خود به وجود آورنده خلأی دیگر است، برخلاف هدف نخست و چون مشکلات بانوان را افزایش می‌دهد بر خلاف هدف دوم است.

## منابع

- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۱). مقدمه علم حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار
- شمس، ع. (۱۳۸۲). آئین دادرسی مدنی، ج ۱، تهران: نشر میزان
- صفائی، ح؛ امامی، ا. (۱۳۷۰) حقوق خانواده، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- لایحه حمایت خانواده ارسال شده از سوی قوه قضائیه به دولت، قابل دسترس در:  
<http://www.judiciary-de.ir/tabid/3400/Default.aspx>
- لایحه حمایت خانواده ارسال شده از سوی دولت به مجلس، قابل دسترس در:  
[http://law.majlis.ir/tarh/Tarh\\_01view.asp?Register\\_Number=721](http://law.majlis.ir/tarh/Tarh_01view.asp?Register_Number=721)
- معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، (۱۳۸۴). مجموعه قوانین و مقررات خانواده، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات
- معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه، (۱۳۸۴). مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، تهران: روزنامه رسمی کشور